

ادامه از صفحه ۱۳

حذف آموزش زبان انگلیسی از مدارس، درست یا غلط؟

۲- این فقط ایرانی‌ها نیستند که زبان انگلیسی می‌آموزند، همه کشورهای جهان بر اساس نیازهای علمی و حرفه‌ای، آموزش زبان انگلیسی را در سطوح دولتی و غیردولتی در برنامه‌های آموزشی گنجانده‌اند. حتی کشوری مثل فرانسه که زمانی خود سابقه رقابت در فرهنگ و زبان غالب در جهان را داشته، کثیری از شهروندانش انگلیسی را به سلاست صحبت می‌کنند. چون می‌دانند برای انجام بسیاری از امور نیازمند تکلم و فهم انگلیسی هستند.

۳- زبان مقولای وابسته به فرهنگ است. از این جهت آموزش آن برای ما حساسیت بیشتری دارد. به این معنی که وقتی فردی شروع به یادگیری زبانی بیگانه می‌کند، به دلیل وجود واژگان، عبارات، تکیه‌کلام‌ها، ضرب‌المثل‌ها، ادبیات و به‌خصوص عبارات محاوره رایج در آن، ناخواسته یا فرهنگ نهادهی‌شده آن زبان هم ارتباط برقرار کرده و تحت تأثیر قرار می‌گیرد. حال در شرایطی که یک زبان خارجی کاربردی بین‌المللی یافته، اگر آموزش زبان خارجی در یک سطح تعریف شده و هدف محور در اختیار مؤسسات رسمی از جمله آموزش و پرورش باشد، می‌توان منابعی را برای دانش‌آموزان تألیف کرد که از حداقل درهم‌تیدگی فرهنگی با آموزه‌های غربی برخوردار باشند و در عین حال بیشتر سمت و سوی استفاده از منابع علمی و دانشگاهی یا حرفه‌ای داشته باشند. در حالی که اگر آموزش و پرورش و نهادهای دولتی در این باره از خود سلب مسئولیت کنند و بر اساس آنچه در زبان نمایندگان محترم مجلس آمده، کار آموزش طرح خارجی را به مؤسسات خصوصی واگذار کنند، طبیعی است که این مؤسسات بر اساس سنت مالوف به سوی استفاده از کتب و منابع تألیف‌شده در کشورهای انگلیسی‌زبان مایل خواهند شد و به تدریج تأثیرات فرهنگی ناخواسته از مسیر آموزش زبان خارجی به زبان‌آموزان منتقل می‌شود. ضمن اینکه چنین مؤسساتی چندان مقید به معیارهای رفزاری برای مدرسان خود نخواهند بود و دانش‌آموزان در سنین نوجوانی که حساسیت زیادی به لحاظ شکل‌گیری شخصیت دارد، تقریباً به صورت هراسنده به مؤسسات خصوصی آموزش زبان واگذار خواهند شد.

۴- امور مهمی در جهان امروز با آموزش زبان انگلیسی درهم‌تیدگی پیدا کرده‌اند که حذف این مقوله از پایه‌های اولیه آموزش و پرورش که مستعدترین دوره زمانی برای دانش‌آموزان است، می‌تواند به حضور ایران در این حوزه‌ها آسیب جدی و غیرقابل چشم‌پوشی وارد کند. مثلاً حوزه‌های مهمی مثل رایانه که کاملاً عمومی است، با زبان انگلیسی آمیختگی پیدا کرده است. همچنین حوزه‌های نسبتاً فراگیر دیگری که عموماً اقتصادی و تجاری هستند، با آموزش زبان انگلیسی روابطی تنگاتنگ دارند که اگر افرادی که می‌خواهند وارد این حوزه‌ها شوند، از نوجوانی که سن حساس فراگیری است آموزش را شروع نکرده باشند، برای حضور کارآمد در این رشته‌ها دچار اختلال خواهند شد. مثاغلی مثل گردشگری، تجارت خارجی، امور حمل‌ونقل بین‌المللی، روزنامه‌نگاری و رسانه و همچنین نیازهای علمی از جمله مراجعه به منابع علمی بین‌المللی و بسیاری امور دیگر با زبان انگلیسی درهم‌تیدگی دارند و حذف آموزش این زبان از مدارس دولتی می‌تواند منجر به محدودیت‌ها و حتی خسارات جبران‌ناپذیری در روند امور مربوطه شود.

۵- حذف آموزش زبان انگلیسی از مدارس دولتی و سپردن آن به آموزشگاه‌های خصوصی که شهریه دریافت می‌کنند، باعث ایجاد تبعیض می‌شود، به این دلیل که خانواده‌هایی که نمی‌توانند هزینه آموزشگاه خصوصی را برای فرزندان خود تأمین کنند، از آموزش محروم شده و حتی در صورت داشتن توانمندی بالقوه حضور در مشاغل و تخصص‌های مختلف، به خاطر فقر خانواده از دستیابی به تحصیلات و مشاغل تخصصی محروم می‌مانند و این کاملاً برخلاف عدالت است.

ضمن اینکه در درازمدت تبعیض‌های آموزشی به ایجاد طبقات مرفه منجر شده و امنیت ملی را تضعیف می‌کند.

۶- نکته یابانی اینکه همه ما متفق‌القول هستیم که آمریکا تاریخی منفور از دخالت در امور کشورها، سرکوب جنبش‌های آزادی‌بخش، کودتا علیه دولت‌های ملی، تفرقه‌افکنی، همدستی با حکومت‌های سرکوبگر و مستبد، تهاجم نظامی به کشورها و کشتن غیرنظامیان و حمایت غیرموجه از رژیم صهیونیستی دارد، اما به یاد داشته باشیم درصد بالایی از منابع علمی و دانشگاهی جهان نیز در مؤسسات علمی و دانشگاه‌های این کشور به زبان انگلیسی تولید می‌شود و مابقی هم عموماً در کشورهای اروپایی و به همان زبان انگلیسی هستند و درصد اندکی به زبان‌های فرانسه، روسی یا ژاپنی منتشر می‌شوند. از این‌جهت کاهش سطح دانش زبان انگلیسی در ایران مستقیماً بر روند دسترسی به منابع علمی روز جهانی و در نهایت توسعه تأثیر منفی خواهد گذاشت.

politics@sharghdaily.ir

که با وجود ابطال در دور دوم نیروهای ترقی‌طلب آرای حتی بیشتری آوردند. احتمالاً این شکست‌ها که دامنه آن به داخل حزب عدالت و توسعه و انشعاب دوستان پیشین هم انجامید ظاهراً آقای اردوغان را خشمگین کرده است و شاید اردوغان با درپیش‌گرفتن سیاست پوپولیستی می‌اندیشد که با درگیرشدن در جنگی قومی و برانگیختن احساسات ملی عوام و جلب حمایت آنان بتواند شکست‌های متوالی خود را جبران کند. روس‌ها ادامه تجاوز ترکیه را تقبیح کرده‌اند. دولت ایران نیز در شرایط دشواری قرار گرفته، اما این اقدام ترکیه را تقبیح کرده است. اما اقدامی خطیر و جدی، در شرایطی که فاجعه‌ای بشری در برابر رخ می‌دهد و خویشتانوندان کرد ما را تهدید به نسل‌کشی می‌کند، نیاز به پاسخی جدی و بین‌المللی است. ترکیه به بهانه اینکه کردهای سوریه به شورشیان کرد ترکیه پناه می‌دهند، می‌خواهد اولاً باریکه امنیتی ۴۰کیلومتری را در مرز خود از جمعیت خالی کند و ثانیاً ترکیب جمعیتی مناطق مرزی سوریه را با اسکان‌دادن میلیونی پناهندگان عربی که در جریان جنگ داخلی از سوریه به آن کشور گریخته‌اند کاملاً



فریدون مجلسی دیپلمات

تجاوز ترکیه به سرزمین‌های کردنشین سوریه و عراق تازگی ندارد. هربار به بهانه ضربه‌زدن، تعقیب و بازگشت برای مقابله با شورشیان بود. جدی‌ترین تجاوز عمیق و طولانی و با نیروی زرهی با نقاب و هزینه عربی در پوشش داعش بود که بعدها دامان اروپا و خودشان را هم گرفت و به جنگی طولانی بدل شد. این بار بهانه‌ها رنگ بهانه‌جویانه یافته است. شاید شکست دوجانبه ترکیه این حمله را انتقام‌جویانه‌تر کرده باشد. یکی شکست دستیابی به منابع نفتی موصل و سوریه در پوشش داعش و دیگر شکست حزب عدالت و توسعه پس از یک دوره طولانی حکومت در چند انتخاباتی که به پیروزی نیروهای مدنی با مشارکت کردها و علوی‌ها و ابطال انتخابات و تغییر قانون اساسی و عملاً مادام‌العمرکردن حکومت آقای اردوغان انجامید و آخرین شکست انتخابات شهرداری استانبول بود

آیا ناسیونالیسم ترکی را می‌توان به راه آورد؟

تغییر دهد و عربی کند. به این ترتیب یک اقلیم عربی در سوریه پدید می‌آید که به جای وفاداری به دولت مرکزی از ترکیه تبعیت خواهد کرد. کردهای سوریه که پس از تأخیری در جنگ داخلی با دریافت کمک‌های مادی و نظامی از آمریکا تدریجاً از دولت مرکزی رویگردان شدند، اکنون برای نجات و آینده خود و برخلاف تمایل ترکیه باید به دولت مرکزی روی بیاورند.

اقلیم کردستان عراق نیز در روابط خود با ترکیه با دلی چرکین و احتیاط رفتار خواهد کرد. ایران نیز علاوه بر تلاش برای جلوگیری از فاجعه انسانی، نباید احترام به احساسات کردهای ایرانی و نیز احترام کردن منطقه که ایران را تنها خویشتاوند و پناه خود در منطقه می‌دانند، نادیده بگیرد. اکنون کردهای سوریه که با دریافت آموزش نظامی و کسب تجربه موفق شدند در شکست داعش نقش مهمی بازی کنند، در شرایطی قرار دارند که انگیزه‌ای برای مقاومت در برابر متجاوزان خواهد بود و ترکیه را که در موقعیت اقتصادی تاریخی مناسبی قرار دارد، به ورطه‌ای خطرناک می‌کشاند و می‌تواند برای آن تبعض کران تمام شود.

در سفر به تهران و در نشست خبری مشترک با روحانی

چند روز پیش در کلیسای باورنکردنی یک مفتی دولتی ترکیه را دیدیم که با هیجان و دشنام بسیار نظامیان را به کشتن کردها تشویق می‌کرد و نیز شاهد منظره قتل دو جوان اسیر کرد با کلوله خلاص بودم. این حرکات زشت هنگامی باورکردنی شد که در اخبار مانند این سخنان را از دهان شخص آقای اردوغان شنیدیم که کردها را به کفر و زرتشتی‌گری متهم می‌کرد؛ این سخنان نژادپرستانه فقط گریز ترکیه را از اتهامات تاریخی جنایات قومی علیه علوی‌ها، ارمنی‌ها و آسوری‌ها در آناتولی و علیه آذری‌ها و اقلیت‌های دیگر در قارص دشوار می‌کند. به‌کاربردن عنوان زرتشتی برای کردن نه فقط هشدار ی درباره ریشه‌های جنایات داعش نسبت به ایزدی‌ها و کردان دیگر در کوپانی و سنجنار است و نه فقط اهانت به کردها بلکه اهانت به همه اقوام ایرانی است. جا دارد دولت ایران از طرح این قوم‌کشی در شورای امنیت سازمان ملل حمایت کند. این رفتار باید درس عبرتی برای دولت سوریه و سایر دولت‌های منطقه نیز باشد که نسبت به همه شهروندان خود با احترام و برابری و بدون هرگونه تبعیض رفتار کنند.

خب‌ر داد و گفت: «سرخ‌هایی را که در این زمینه به دست آوردیم، به نخست‌وزیر پاکستان ارائه دادیم». او تأکید کرد تحقیقات تا نتیجه نهایی ادامه خواهد داشت: «اینکه کشوری فکر کند می‌تواند در منطقه نامنی ایجاد کند و پاسخی دریافت نکند، اشتباه محض خواهد بود». رئیس‌جمهوری همچنین گفت: «نخست‌وزیر پاکستان بر این نکته تأکید داشتند که لید حل‌وفصل مسئله، پایان‌یافتن جنگ یمن، آتش‌بس فوری و کمک به مردم یمن است». او ادامه داد: «دو کشور بر این نکته تأکید داریم که مسائل منطقه راه‌حل سیاسی دارد و باید از طریق گفت‌وگو مسائل میان کشورها به حل‌وفصل نهایی برسد». او افزود: «به آقای نخست‌وزیر تأکید کردیم هر گونه حسن نیت و کلام طیب پاسخ شایسته و طیبی خواهد داشت». رئیس‌جمهور با اشاره به «تروریسم اقتصادی» تحریم‌های آمریکا گفت درباره بازگشت برجام به روال سابق و اجرایی‌شدنش با عمران خان گفت‌وگو داشته و تأکید کردیم برای حل مشکلات آمریکا باید به برجام برگردد و تحریم‌ها را بردارد. او با تشکر از سفر عمران‌خان تصریح کرد: «حسن نیت و تلاشی را که نخست‌وزیر پاکستان برای حل‌وفصل مسائل منطقه با چهره‌ای گشاده دارند، یاری می‌کنیم تا صلح و ثبات کامل به منطقه حساس ما برگردد». عمران‌خان که در روزهای گذشته با مقامات عربستان سعودی دیدار و گفت‌وگو داشته است، بعد از دیدار با روحانی نیز سفر دوباره‌ای به ریاض را در برنامه دارد. مقامات پاکستان در حاشیه مجمع عمومی سازمان ملل در اوایل مهر نیز با مقامات ایران و عربستان سعودی دیدار کرده بودند.



درگیری دیگری در منطقه باشیم». عمران‌خان همچنین گفت ترامپ در نیویورک از او خواسته «تسهیل‌کننده دیالوگ» بین ایران و آمریکا باشد: «می‌دانیم که سختی‌هایی در این حوزه وجود دارد اما از هیچ تلاشی دریغ نمی‌کنیم که تحریم‌ها علیه ایران لغو شود و برجام دوباره به‌دست تمامی اعضای آن امضا شود». نخست‌وزیر پاکستان همچنین گفت: «ما علاقه‌مند هستیم به نقش خدومان به عنوان تسهیل‌کننده ادامه دهیم».

روحانی: به حسن نیت پاسخ شایسته‌می‌دهیم
روحانی در این نشست خبری، مباحث مطرح‌شده در این سفر را ادامه هم‌چون نیویورک خواند. رئیس‌جمهور از ابراز نگرانی نسبت به «امنیت نفت‌کش‌ها» با اشاره به حادثه جمعه برای نفت‌کش ایرانی

بررسی میانجیگری اسلام‌آباد بین تهران و ریاض در گفت‌وگو با فرزند رمضان‌ی بوش، تحلیلگر مسائل منطقه

عمران خان؛ نگران گسترش تنش به خاک پاکستان

شود، به نوعی این پیروزی هم برای خود عمران‌خان و هم برای پاکستان خواهد بود.

▶ برنامه پاکستان برای این میانجیگری چیست؟
▶ با چه گزینه‌ها و پیشنهادهایی به دنبال این وساطت است؟

ما چنددان از گزینه‌ها خبر نداریم و پیشنهادهای آشکاری در این زمینه دیده نشده‌است؛ اما آنچه مشخص است، این است که در کام نخست، پاکستان معتقد است باید دامنه تنش بین عربستان و ایران را به اندازهای کاهش هد یا خنثی کند که در واقع پیامدهای منفی آن، دامنگیر اتباع پاکستان و منافع ژئوپلیتیکی، سیاسی و امنیتی پاکستان در منطقه نشود. در کام‌های بعدی پاکستانی‌ها معتقدند چنانچه این‌تنش کاهش پیدا کند، آنها هم می‌توانند روابط اقتصادی و سیاسی‌شان با ایران را گسترش دهند، بدون اینکه با اهرم فشار ریاض مواجه باشند. در بعد دیگر هم بتوانند

سرمایه‌گذاری‌های بیشتر و منافع مالی و اقتصادی بیشتری از سوی عربستان دریافت کنند و به سود اقتصادی پاکستان هم شود. در نگاه فرصت و هزینه، پاکستانی‌ها معتقدند کاهش دامنه تنش‌ها در روابط از چندین محور و حوزه به‌طورکلی تلقی می‌شود و هم امنیتی و ژئوپلیتیکی‌شان خواهد بود؛ بنابراین کام‌هایی در این‌باره برمی‌دارند، اما اینکه تهران یا ریاض چه شروطی در این میان خواهند داشت و آیا پاکستانی‌ها می‌توانند تنش‌ها در روابط ایران و عربستان برسد، بحث دیگری است. بین، هم به تهران و هم در ریاض، خواسته‌هایی که در این‌بین مطرح شده با پاسخ کاملاً مثبت مواجه نشده است. در این بین، عمران‌خان تلاش می‌کند کاهش تنش در روابط را در جهت منافع ژئوپلیتیکی، سیاسی و امنیتی پاکستان مدیریت کند. در بعد دیگر، آنچه مشخص است، این است که عمران‌خان تلاش می‌کند از کاهش تنش در روابط، در جهت پرستیژ پاکستان، هم در منطقه و هم در جهان استفاده کند. بعد دیگر این ماجرا هم در رقابت‌های داخلی پاکستان است که عمران‌خان سعی می‌کند از این روند در آنها استفاده کند و خودش را به عنوان بازیگری که توانسته است دامنه تنش بین جریان‌های هوادار داخل پاکستان و رقابت‌های نیابتی در این زمینه را کاهش دهد، نشان دهد. اگر موفق به میانجیگری و کاهش دامنه تنش‌ها

▶ پاکستان چقدر توانایی و ظرفیت این میانجیگری را دارد؟

اگر به دامنه روابط بین پاکستان و این دو کشور نگاه کنیم، می‌بینیم عربستان از آغاز استقلال پاکستان یکی از مهم‌ترین حامیان سیاسی، اقتصادی، امنیتی و مالی

نگاه

اهمیت سفر عمران‌خان

علی بیگلری - کارشناس امور بین‌الملل

● مذاکرات و میانجیگری آقای عمران‌خان بین ایران و عربستان از خیلی وقت پیش به صورت یک دیپلماسی پنهانی آغاز شده بود. آخرین بار این موضوع در حاشیه مجمع عمومی سازمان ملل به طور رسمی مطرح شد.

هم در عربستان و هم در ایران این تمایل وجود دارد که موضوع به نوعی سالمات‌آمیز حل شود. مقامات سیاسی و نظامی ما در حادثه‌ای هم که به‌تازگی برای یکی از گشتی‌های ما پیش آمد، رفتار بسیار درست و معقولانه داشتند. ما اگرچه می‌توانستیم با توجه به نزدیکی حادثه به عربستان، آن کشور را متهم کنیم اما هوشمندانه چنین کاری نکردیم. نتیجه این شد که آن موضوع بر سفر آقای عمران‌خان سایه نینداخت. از طرف دیگر، عربستان هدفش این بود که با نزدیکی به اسرائیل و فشارآوردن بر آمریکا بتواند به ایران حمله نظامی کند و این کار صورت نگرفت و در این هدفش ناکام ماند. ایران دو سه نمایش قدرت از خود بروز داد اما نه آن صورت که بهانه دست کسی بدهد. یعنی کاری را انجام نداد که آنها دوست داشتند. عربستان هم وقتی دید آمریکا به او کمکی نمی‌کند، دلزده و دل‌مرده شد.

محمد بن‌سلمان که دنبال برنامه‌های بلندپروازانه

خود در عربستان بود، فهمید تا وقتی از مسئله یمن رها نشود، امکان هیچ‌گونه بلندپروازی نخواهد داشت. عربستان اسیر موضوع یمن شده و در چهار

سال گذشته هیچ توفیقی به دست نیاورده است. حالا

هم به این نتیجه رسیده است که باید مشکل خود را با ایران حل کند.

تحلیلگران بین‌المللی نظرشان این است که عربستان نمی‌تواند بدون اجازه آمریکا دستت به اقدامی در راستای حل مشکل خود با ایران بزند. با این حال تصور نمی‌شود در حال حاضر نقش آمریکا در مذاکرات فعلی ایران و عربستان چندان مؤثر باشد. چراکه کشورهای منطقه نوعی دلسردی و دل‌مردگی نسبت به دفاع آمریکا از خودشان دارند. بنابراین بهترین راه برای عربستان این است که از هر فرصتی برای حل مشکل خود با ایران استفاده کند. اگر این اتفاق بیفتد، سطح قدرت ایران در منطقه بسیار بالاتر خواهد رفت؛ به‌ویژه اینکه می‌تواند به نوعی به آمریکا هم بی‌اعتنایی کند و خارج از اراده آمریکا این مذاکرات را انجام دهد.

ایران هم باید دیپلماسی هوشمندانه‌ای را که درباره ماجرای کشتی به خرج داد، ادامه دهد. انتظار نتایج قوی‌نماتد که هم نباید داشته باشیم ولی آغاز مذاکرات قطعا التهاب روابط میان ایران و عربستان

سعودی و کلاً شیخ‌نشین‌ها را کاهش خواهد داد.

عمران‌خان به لحاظ روابط خوبی که با ما دارد و نیز به دلیل روابط مالی خوش با عربستان سعودی، می‌تواند نقش خوبی برای میانجیگری بین دو کشور ایفا کند. عمران‌خان که می‌خواهد در دوره بعد هم در پست نخست‌وزیری موفق باشد، نقش‌آفرینی در نزدیک‌کردن دو قدرت برایش امتیاز بالایی محسوب می‌شود. بنابراین هر سه کشور می‌توانند از این موضوع منتفع شوند. آقای عمران‌خان این پتانسیل را دارد که بتواند دستت به چنین اقدامی بزند و سفرش به ایران، از این نظر سفر مهم و مبارکی می‌تواند باشد.

رویداد

پوتین: روسیه از عامل حمله آرامکو اطلاع‌ی ندارد

● ایسنا: به گزارش العربیه انگلیسی، ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه در گفت‌وگو با این پایگاه خبری درباره عامل حمله به مجموعه لایپاشنگای آرامکو عربستان گفت برخلاف ادعای برخی کشورها مبنی بر دست‌داشتن ایران در این حمله، روسیه به هیچ کشوری اشاره نخواهد کرد. پوتین در پاسخ به این سؤال که روسیه چگونه با وجود تجهیزات اطلاعاتی پیشرفته و روابطی که با ایران دارد، نتوانسته است عامل این حمله را تشخیص دهد، تأکید کرد که روسیه نمی‌داند چه کسی مرتکب این حملات شده است. رئیس‌جمهور روسیه در ادامه این گفت‌وگو درباره نقش این کشور در خلیج فارس با گفتن اینکه «مسکو روابط بسیار دوستانه‌ای با تمامی کشورهای منطقه از جمله ایران و کشورهای عربی‌مانند عربستان سعودی و امارات دارد»، نقش روسیه را به عنوان یک میانجی میان ایران و سایر کشورهای منطقه کم‌اهمیت جلوه داد. به گزارش ایسنا، خبرگزاری اسپوتنیک همچنین گزارش داد که پوتین از بیان آمریکا رژیم صهیونیستی و ایران خواست بر اختلاف‌نظرهایشان غلبه کنند. اسپوتنیک همچنین در ادامه افزود از دیدگاه رئیس‌جمهور روسیه اگر این شرایط به واقعیت بپیوندد، مذاکرات جدید در قالب ۵+۱ که آخرین بار به امضای توافق هسته‌ای منتهی شد، امکان‌پذیر خواهد بود. این خبرگزاری به نقل از وی درباره حمله اخیر رخ‌داده به نفت‌کش ایرانی سانیی در دریای سرخ گفت: ممکن است باور نکند اما ما زمنی دانیم چه کسی مسئول این حملات بوده است.[] روز پس از حمله، من بلافاصله از مسئولان وزارت دفاع و اطلاعات روسیه در این باره پرس‌وجو کردم، اما متأسفانه ما، در حال حاضر، اطلاعات موثقی درباره این رخداد نداریم.